

فرقه‌ها و مذاهب آیین سیک

سید محمد روحانی*

محمد مهدی علیمردی**

چکیده

به طور کلی، آیین سیک شامل سه مذهب اصلی است، که به ترتیب جمعیت و اهمیت عبارت‌اند از: خالصا، نام‌دھاری و نیرنکاری. این سه مذهب در مورد ماهیت و مفهوم گورو اختلاف نظر دارند. در مذهب خالصا نیز سه گروه که به دلیل نوع لباس، شیوه زندگی و التزام به برخی احکام خاص از سایر اعضای مذهب خالصا متمایزند، وجود دارد که عبارت‌اند از: نیهنگ (اکالی)، نیرملا و سواپنتھی. علاوه بر اینها، در برخی متون به یکی از فرقه‌های آیین سیک به نام اوداسی، که پسر بزرگ گورو نانک، سری چند، آن را تأسیس کرد، اشاره شده است. این فرقه هیچ شباهتی با پیکره اصلی آیین سیک ندارد، چراکه نه سلسله گوروهای ده‌گانه را قبول دارد و نه یکتاپرست است، ولی چون با تفسیری خاص، خود را پیرو گورو نانک می‌دانند و در تاریخ آیین سیک نیز نقش مهمی داشته‌اند در اینجا به عنوان یکی از فرقه‌های آیین ذکر شده است. علاوه بر این موارد، در برخی منابع به تعدادی فرقه فرعی نیز اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: زهت‌مزیادا، پنج‌کاف، شَبَد گورو، دِه‌دھاری گورو، امریت‌دھاری، سَهج‌دھاری.

* دانشجوی دکتری کلام اسلامی، جامعه المصطفی (ص) العالمیه؛ mohammadrohani59@yahoo.com

** استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب؛ alim536@yahoo.com

[تاریخ دریافت: ۸۹/۱۲/۲۵؛ تاریخ تأیید: ۹۱/۷/۲۶]

مقدمه

نخستین پیشوای آیین سیک (Sikh) نانک (Nānak)، که بعدها ملقب به گورو (Guru) یا استاد معنوی شد، در قرن پانزدهم میلادی در سرزمین پنجاب، در شمال غربی شبه‌قاره هند در خانواده‌ای هندو چشم به جهان گشود. به باور سیک‌ها، نانک بعد از مکاشفای عرفانی احساس کرد مأموریتی از جانب خداوند بر دوش او نهاده شده است و در پی آن، آیین سیک به وجود آمد. وی در سفرهای متعدد به مراکز اصلی آیین هندو، آیین بودا و اسلام، پیام خود را که نفی تعصبات جاهلانه بر آداب و ظواهر مذهبی، بدون درک صحیح از حقیقت آن بود، به پیروان این ادیان رساند و همواره مردم را به تفکر در عمق تعالیم ادیان دعوت می‌کرد (Singh, 1999: 14).

گورو نانک با آنکه دو پسر به نام‌های سُرِ چَند (Sri Chand) و لکشمی‌چند (Lakshmi Chand) داشت، ولی هیچ یک را شایسته جانشینی خویش ندانست و به جای آن یکی از مریدانش را به نام لهنا (Lehnā)، که فردی مؤمن و مطیع بود، با اعطای لقب اَنگَد (Angad) به معنای «از وجود من» به عنوان گوروی پس از خود معرفی کرد (Hinnells, & Owencole, 1996: 314).

پس از گورو اَنگَد نیز تا قرن هجدهم میلادی هشت گوروی^۱ دیگر به ترتیب پیشوایی سیک‌ها را به عهده داشتند. در این میان، دهمین گورو، به نام گورو گوپند سینگه (Guru Gobind Singh)، را می‌توان پس از گورو نانک مهم‌ترین پیشوای این آیین قلمداد کرد، و دوران رهبری او را یکی از سرنوشت‌سازترین دوران‌های این آیین دانست؛ چراکه او با منسجم کردن پیروان آیین سیک و وضع قوانین خاص، مانند همراه داشتن پنج نماد آیینی موسوم به پنج‌کاف، و تأسیس نظام دینی و سیاسی به نام خالصا (Khālsā)، نخستین بار سیک‌ها را به عنوان قوم و آیینی مستقل مطرح کرد.

همچنین، تا پیش از گورو گوپند سینگه مسئله جانشینی از سوی شخص گورو در زمان حیاتش با انتصاب یکی از شاگردان یا فرزندان حل می‌شد، ولی چهار پسر گوروی دهم در دوران حیات وی به دست مغولان کشته شده بودند و از طرفی نیز شخص خاصی را شایسته این مقام نمی‌دانست، به همین دلیل برای پیش‌گیری از بروز اختلاف بین پیروانش بر سر جانشینی خود، کتاب مقدس گورو گُرتَته صاحب (Guru Granth Sāhib) را که مورد قبول همه بود، به عنوان جانشین همیشگی خود برگزید (Gupta, 2000, Vol 1: 326).

ولی با این حال، این تدبیر مؤثر واقع نشد و پس از وی بر سر جانشینی‌اش بین سیک‌ها اختلافاتی به وجود آمد و برخی جانشینی کتاب مقدس را نپذیرفتند؛ مهم‌ترین اتفاق ناشی از این اختلافات جدا شدن سیک‌های نام‌دھاری (Nāmdhari) از دیگر سیک‌ها بود. پس

از آن نیز، برخی گروه‌ها با به چالش کشیدن اصول سخت‌گیرانه ظاهری خالصا، مثل التزام به همراه داشتن پنج نشان، مذاهب دیگری مثل نیرنکاری (Nirankāri) را در این آیین به وجود آوردند.

۱. سه مذهب اصلی سیک

۱.۱. خالصا

اکثریت غالب جمعیت سیک‌ها را پیروان مذهب خالصا تشکیل می‌دهند. نخستین بار توسط پیشوای دهم سیک، گورو گویند سینگه این نام را برای نامیدن پیروان واقعی‌اش، که با ایمان و وفاداری به او مراسم تعمیم خاص سیک‌ها، موسوم به تعمیم با شمشیر دودم یا کهنندا کا امریت (Khandā kā Amrit)، را به جای آورده‌اند، به کار برد. این واژه از ریشه لغوی عربی-فارسی خالص به معنای ناب است، و به این مطلب اشاره دارد که یک سیک باید در زندگی‌اش در همه کارها خالص و دور از آلودگی باشد (Gupta, 2000, vol 1: 273).

به نظر می‌رسد علت اصلی پیدایش نظام دینی و سیاسی خالصا دو چیز مهم بوده است؛ نخست اینکه چون گرایش اصلی آیین سیک توجه به مسایل عرفانی و معنوی بوده، و از طرفی اکثر حاکمان مغول همواره این آیین را تحت فشار قرار داده‌اند، لازم بود سیک‌ها بیش از آنکه یک فرقه عرفانی باشند یک قوم و ملت مستقل، دارای حکومت و سرزمینی خاص باشند تا به مرور زمان محو نگردند. علاوه بر این، پیروان گورو گویند سینگه از اقوام و طبقات مختلف اجتماعی و دینی بوده‌اند، لذا با اینکه از دوران گورو نانک تا آن زمان بر نفی برتری طبقاتی و قومی تأکید شده بود، ولی تا آن زمان این‌گونه تعصبات از بین نرفته بود و این نقطه ضعف خطرناکی برای جامعه نوپای سیک به شمار می‌آمد. لذا گورو با تدبیری، با تأسیس خالصا، پیروانش را به لشکری و متحد وفادار تبدیل کرد.

گورو گویند سینگه برای اعلام تأسیس نظام خالصا یکی از جشن‌های مهم هندی به نام بیساکھی (Bisākhi) را برگزید. در این روز سنت بر این بوده که سیک‌ها در محضر گورو گرد آمده و به ارشادها و راهنمایی‌های او گوش بسپارند. این موقعیت بهترین فرصت برای گوروی دهم بود تا به طور رسمی تشکیل خالصا را اعلام کند. ولی این اعلام باید طوری می‌بود که هرگز از خاطره سیک‌ها محو نشود. در ضمن، او قصد داشت وفادارترین و

جان‌نثارترین سیک‌ها را نیز بشناسد. به همین دلیل در ۱۶۹۹ میلادی فرمانی خطاب به تمام سیک‌ها صادر کرد، و دستور داد در روز بیساکھی برای دیدار با او در شهر آنڈپور گرد آیند.

مطابق فرمان گورو، در آن روز خاص، سیک‌ها از مناطق مختلف هند به آنڈپور آمدند. در جمع کثیری از سیک‌ها گورو گویند سینگه بر بلندی رفت، و در حالی که شمشیر برهنه‌ای در دست داشت فریاد زد، آیا در جمع شما کسی هست که جانش را برای آیین (دُهرَمَه Dharma) نثار کند؟! با شنیدن این حرف جمعیت ساکت شده و ترس و حیرت در دل همه حاکم شد. گورو سه بار همین جمله را فریاد زد، تا اینکه شخصی به نام دیا رام پیش آمد و اظهار آمادگی کرد. گورو بازوی او را گرفته و به داخل خیمه برد. بعد از چند لحظه با شمشیری خونین بیرون آمد و باز جمله قیل را تکرار کرد. فرد دیگری قدم جلو نهاد، گورو او را نیز به داخل خیمه برد و تا پنج بار این کار را تکرار کرد. بعد از آن، وقتی شخص دیگری حاضر نشد قدم پیش بگذارد، به داخل خیمه رفت و هر پنج نفر را، در حالی که لباس‌های یک‌شکل به تن کرده و سلاح به همراه داشتند بیرون آورد (Singh, 2001: 71). سپس گفت: این پنج تن عزیزان من هستند، چون حاضر شدند جانشان را برای من فدا کنند. بدین‌سان آن پنج نفر به پنج پیاره (Panj Piyāre)، به معنای پنج عزیز، مشهور شدند. آنگاه برای نخستین بار در مراسم کهندا کا امریت گوروی دهم آن پنج تن را توسط تعمید داد و سپس خود نیز به دست آنها تعمید یافت. به همین ترتیب بسیاری از افراد حاضر در جشن تعمید یافته و به طور رسمی به عضویت خالصاً درآمدند. از دیگر اقدامات گوروی دهم افزودن نام سینگه به معنای شیر، به عنوان نام خانوادگی مردان و افزودن کور، به معنای بانو، برای زنان بود (Gupta, 2000, vol 1: 271).

مطابق آنچه در اعتقادنامه و قانون سلوک سیک خالصاً (رَهِت مَرِیادا Rahit Maryada) درج شده است، سیک خالصاً کسی است که از لحاظ اعتقادی به یک خدای ابدی و متشخص (اکال پورکه Akal Purakh)، و گورو بودن ده پیشوای این آیین، از گورو نانک تا گورو گویند سینگه باور داشته و بپذیرد اعتقاد به اینکه کتاب مقدس گورو گرتنه صاحب جانشین ابدی دهمین گورو است، و از لحاظ عملی نیز مراسم تعمید با شمشیر دودم را به جای آورد، و همچنین هیچ دین و آیین دیگری را نپذیرد (Shromni Gurdwārā prabandak committee, 1998: 9).

به طور کلی، اصول اعتقادی خالصاً شامل سه اصل یگانه‌پرستی، باور به وساطت و

رهبری معنوی گورو و تناسخ ارواح پس از مرگ است. همچنین باور به خاتمیت سلسله گوروهای انسانی در ده گورو و جانشینی کتاب مقدس به عنوان گوروی جاودان این آیین، از مشخصات آیین سیک خالصا محسوب می‌شود.

یکی دیگر از مهم‌ترین باورهای که بعد از توحید و نفی پرستش خدایان متعدد، بسیار مورد تأکید سیک‌های خالصا است، اصل نیاز انسان به مرشد و پیشوای روحانی یا گورو برای نجات از چرخه تناسخ و فنای در حق است. ولی خالصاها باور دارند که گورو و مرشد حقیقی تنها خداوند است که از طریق کلامش که به آن گوربانی (Gurbani)، به معنای الهام گورو، می‌گویند خود را متجلی کرده است. کلامی که از ذات خداوند جدا نبوده و ازلی و ابدی است (Singh, 1971: 59). گوروهای ده‌گانه نیز به عنوان واسطه و مجریان الهامات الهی در زمین تلقی می‌شدند (McLeod, 2009: 83). به همین دلیل معتقدند با تکمیل کلام الهی و تدوین کامل کتاب مقدس از سوی پیشوای دهم، پس از وی تا همیشه، تنها کتاب مقدس گورو گرتنه صاحب، گورو و پیشوای آنهاست و هیچ انسانی نمی‌تواند به عنوان گورو در کنار کتاب پذیرفته شود. به همین دلیل پس از انتصاب کتاب مقدس، به عنوان گوروی همیشگی، از سوی پیشوای دهم در سیصد سال پیش، دیگر هیچ فرد خاصی به عنوان گورو وجود ندارد (Singh, 2001, vol 2: 199).

آیین سیک، همانند دیگر ادیان سرزمین هند، به قانون تأثیر کردار انسان در تولدهای آینده‌اش یا کرمه (Karma) و تناسخ ارواح معتقد است. این آیین بهشت و دوزخ را، آن‌گونه که در ادیان ابراهیمی وجود دارد، نمی‌پذیرد، بلکه جهنم را تناسخ و بهشت را فنای در حق می‌داند. نجات و رهایی از چرخه تناسخ تنها از طریق لطف و عنایت الهی (کریپا Kirpa) ممکن است (Bala, 1999: 117). در آیین سیک از روح انسان به عنوان قطره‌ای جداشده از اقیانوس هستی الهی و یا اشعه‌ای از پرتو نور الهی تعبیر می‌شود، که درنهایت برای رهایی از گردونه تناسخ باید به اصل خود بازگردد.

علاوه بر این، التزام به همراه داشتن پنج نشان بر هر سیک خالصای تعمیم‌یافته الزامی است. این پنج نشان که به پنج کاف مشهور است عبارت‌اند از:

۱. کیش (Kesh): کوتاه نکردن موهای بدن.
۲. کنگا (Kanga): همراه داشتن شانه برای مرتب کردن و تمیز نگاه داشتن موها.
۳. کیرپان (Kirpan): همراه داشتن خنجر یا شمشیر برای ایجاد حس شجاعت و دفاع

از خود.

۴. کرا (Kara): مچ‌بند فولادی به عنوان وسیله‌ای برای یادآوری اصول سیک و تذکر این نکته که سیک همیشه بنده خداوند است.

۵. کچّه (Kachha): پوشیدن شلوارک برای کنترل تمایلات جنسی نامشروع (Shromni Gurdwārā prabandak committee, 1998: 30).

غیر از این پنج نماد، یکی از بارزترین و مشهورترین مشخصه‌های ظاهری سیک‌های خالصاً بستن عمامه‌های رنگارنگی است که به زبان محلی به آن پکری (Pakṛī) یا دستار (Dastār) می‌گویند. اگرچه بستن دستار همانند پنج کاف الزامی نیست، ولی سیک‌های خالصاً به بستن آن به عنوان جزئی از لباس رسمی خود مقید هستند (Owen Cole and Morgan, 2000: 305).

همان‌طور که اشاره شد، از سویی، خالصاً کسی است که رسماً مراسم تعمید با شمشیر دودم برایش انجام شده باشد، و کسی که در خانواده خالصاً متولد شود ولی این مراسم را انجام نداده باشد رسماً سیک خالصاً محسوب نمی‌شود. از سوی دیگر، بسیاری از سیک‌ها به دلیل سختی احکام و الزامات عضویت در مذهب خالصاً حاضر نیستند تعمید بیابند. لذا جامعه سیک‌های خالصاً به سه گروه تقسیم می‌شود:

۱. سه‌ه‌ج‌دّه‌اری (Sahajdhāri؛ کسانی که در خانواده سیک خالصاً متولد شده و از این طریق خود را پیرو این آیین بدانند، ولی به طور رسمی تعمید نیافته و به پنج‌کاف، به ویژه کوتاه نکردن موی بدن ملتزم نباشند).

۲. کِس‌دّه‌اری (Kesdhāri؛ سیک‌هایی که ملتزم به حفظ موی کوتاه‌نشده بدن هستند، ولی به طور رسمی تعمید نیافته‌اند و به سایر احکام چندان التزامی ندارند).

۳. امریت‌دّه‌اری (Amritdhāri؛ سیک‌هایی که به طور رسمی با مراسم کُهن‌دا کا امریت تعمید یافته، به تمام احکام دقیقاً ملتزم باشند (Chander Dogra and Singh Mansukhani, 1997: 436).

تا چند دهه پیش، سیک‌های خالصاً تنها گروه سوم، یعنی سیک‌های تعمید یافته، را رسماً عضو جامعه خود می‌دانستند، و هرچند دو گروه دیگر را نیز به صورت فیزیکی مجبور به تعمید یافتن نمی‌کردند، ولی با ایجاد محدودیت‌هایی، مانند انجام ندادن تشریفات ازدواج یا مراسم پس از مرگ و ممانعت از ورود آنها به برخی اماکن مقدس، آنها را برای تعمید یافتن تحت فشار قرار می‌دادند. ولی امروزه معمولاً این فشارها نیز برداشته شده و این دو گروه نیز در سرشماری‌ها جزو سیک‌های خالصاً شمرده شده و تمام مراسم و تشریفات مذهبی برای آنها نیز انجام می‌شود.

علاوه بر این سه گروه، در آیین خالصا سه گروه دیگر نیز به دلیل شیوه زندگی و لباس خاصشان از سایر خالصاها متمایز هستند. این سه گروه که نیهنگ سینگه (آکالی) Nihang (Akāli)، نیرملا Nirmalā و سیوپانتھی Sewāpanthi نام دارند، همه از سیک‌های تعمیدیافته یا امریت‌دھاری هستند و از نظر اعتقادات با دیگر خالصاها هیچ تفاوتی ندارند؛ تنها تفاوتشان این است که آنها پوشیدن لباسی خاص و یا تشریفات و آیین‌هایی علاوه بر دیگر آداب خالصا را بر خود لازم می‌دانند. این گروه‌های سه‌گانه نزد عوام سیک خالصا همانند قدیسان و روحانیان مورد احترام هستند و چون آنها زندگی خود را وقف خدمت به آیین کرده و معمولاً کار و پیشه خاصی ندارند، زندگی‌شان از طریق نذورات و هدایای دیگر سیک‌ها می‌گذرد.

۱.۱.۱. نیهنگ سینگه (آکالی)

این گروه از سیک‌ها را آکالی، به معنای سربازان خدای لایتناهی، نیز می‌نامند. اعضای آکالی نیهنگ از متعصب‌ترین سیک‌های خالصا محسوب می‌شوند. این عده خود را از لشکریان گورو گوبند سینگه می‌دانند و معمولاً در گوردوارهای خاصی که به آن درا (Dera) می‌گویند، مانند سربازان یک پادگان نظامی، زندگی خود را با تمرین‌های نظامی^۳ و پرورش قدرت جسمانی می‌گذرانند. حتی برخی از نیهنگ‌سینگه‌ها ازدواج نمی‌کنند تا بدون اینکه درگیر زندگی خانوادگی شوند در اردوگاه‌های نظامی به صورت یک سپاهی (دال Dal) به تمرین‌های نظامی بپردازند. آنها در انتظار روزی هستند که بار دیگر سیک‌ها قدرت و شکوه دوران گوروی دهم را بازیابند، تا در آن زمان به عنوان لشکریان خالصتان (Khalistan)^۴ برای تشکیل حکومت خالصا مبارزه کنند (McLeod, 2002: 157).

این گروه از سیک‌ها با توجه به روحیه جنگاوری و نظامی خود، از ویژگی‌های ظاهری خاصی نیز برخوردارند که آنها را از سایر سیک‌ها متمایز می‌کند. آنها معمولاً به تقلید از فرزند گوروی دهم، لباسی به رنگ آبی تیره به تن می‌کنند و حمایل زردرنگی به دوش می‌آویزند. دستاری که آنها به سر می‌بندند بسیار بزرگ‌تر از دیگر سیک‌هاست، و با نشان‌های خاص خالصا و همچنین سلاحی به نام چکر (Chakkar) آراسته شده است. به این دستار مخصوص دَمالا (Damala) می‌گویند. آنها همیشه به انواع سلاح‌های قدیمی مانند شمشیر، کُفندا، نیزه، تبرزین و ... یا تفنگ مسلح هستند و در فنون نظامی و سوارکاری بسیار مهارت دارند (Owen Cole & Singh Sambhi, 1997: 120). البته امروزه حضور این گروه در جامعه سیک بیشتر جنبه نمادین به خود گرفته است و فقط به عنوان افرادی مقدس که یادآور

شکوه و عظمت آیین سیک در دوران گورو گویند سینگه هستند، مورد احترام دیگران‌اند. امروزه نیهنگ سینگه‌ها در اردوگاه‌های متعددی به نام چهاونی (Chhaoni) در سرتاسر پنجاب حضور دارند. مرکز فرماندهی این گروه گوردواری دَمَدَمه صاحب (Damdama Sahib) در منطقه بهاتینده (Bhatinda) در ایالت پنجاب است. بزرگ‌ترین اجتماع آنها در ماه مارس (اسفند) هر سال، در جشنواره بزرگی به نام هُلا مَحَلَا (Hola Mohalla)، که هم‌زمان با جشنواره هندویی هولی (Holi) است، برگزار می‌گردد. این مراسم را که نخستین بار گورو گویند سینگه بنیان نهاد، شامل مسابقات نظامی و نمایش جنگ‌های قدیمی است (Singh, 2001, vol 3: 226).

۲.۱.۱. نیرملا

نیرملا واژه‌ای سُنسکریت، به معنای بی‌عیب و کامل است. این گروه از سیک‌های خالصاً تمام عمر خود را وقف تعلیم و تعلّم و گسترش آموزه‌های سیک می‌کنند. نیرملاها هرگز ازدواج نمی‌کنند و در مکان‌هایی مخصوص با هم زندگی می‌کنند. این گروه از سیک‌ها خود را میراث‌دار عده‌ای از اصحاب گوروی دهم می‌دانند که مطابق فرمان او مأمور به فراگیری علوم رایج زمانه خود شدند.

نخستین پیروان گورو گویند سینگه بیشتر از طبقات پایین هندوها و بی‌سواد بودند، به همین دلیل او برای اینکه پیروانش در علم و دانش از دیگران عقب نمانند، از دانشمندان هندو که از طبقه برهمن بودند دعوت کرد تا به پیروانش سُنسکریت بیاموزند. ولی آنها از این کار شانه خالی کرده و گفتند: سُنسکریت زبان خدایان و بسیار مقدّس است، به همین دلیل نمی‌توان آن را به افراد طبقه پایین جامعه تعلیم داد!

هنگامی که گورو با این پاسخ برهمنان هندو مواجه شد، پنج تن از یاران خود را به لباس برهمنان درآورد و به آنها مأموریت داد به صورت ناشناس به شهر مقدّس بنارس بروند و سُنسکریت و دیگر علوم مهم، مانند الاهیات و فلسفه هندی، را فرا گیرند و سپس آن را به دیگر سیک‌ها نیز بیاموزند. آن پنج تن چند سال به فراگیری دانش پرداختند و سپس برای ترویج آن بین سیک‌ها بازگشتند. آنها پس از بازگشت به مناطق مختلف سیک‌نشین پنجاب رفته و به ترویج علم پرداختند. این عده از سیک‌ها به دلیل تلاش و خلوص خود به نام نیرملا مشهور شدند. سپس عده‌ای راه آنها را دنبال کرده، زندگی خود را وقف علم و ترویج علوم دینی کردند، که آنها را نیز نیرملا می‌خوانند (Singh, 2001, Vol 3: 236).

۳.۱.۱. سِواپنتھی

سِواپنتھی‌ها گروهی از خالصاها هستند که خود را در شیوه زندگی پیرو یکی از مهم‌ترین یاران گوروی نهم و دهم به نام بهای کهنیه (Bhai Khanaiya) می‌دانند. نام این آیین از دو واژه تشکیل شده است؛ سِوا به معنای خدمت داوطلبانه و رایگان به دیگران، و پنته به معنای راه، مسلک و طریقت؛ پس سِواپنتھی یعنی مسلک خدمت‌گزاران.

بهای کهنیه، که در اصل یکی از صاحب‌منصبان مغولان بود، در دوران نهمین گورو سیک، گورو تیغ بهادر (Guru Tegh Bahadur)، به حلقهٔ مریدان گوروی نهم پیوست و پس از آن به عنوان سقا مشغول به خدمت شد. پس از مدتی گورو او را برای خدمت به مردم مأمور کرد و او در شمال غرب پنجاب در استانی به نام اَتک (Attock) یک مهمان‌خانه و معبد (دَهرمسالا Dharmasala) برای خدمت به مردم تأسیس کرد و در آنجا بدون فرق گذاشتن میان مسلمانان و هندوها به همه خدمت می‌کرد.

پس از کشته شدن گوروی نهم به دست مغولان، وی برای دیدار با جانشین او به ملاقات گورو گوپند سینگه آمد و به خدمت به او مشغول شد. در یکی از جنگ‌های گوروی دهم با مغولان، بهای کهنیه در میدان نبرد به سقایی مشغول بود، ولی او نه فقط به سیک‌های زخمی، بلکه به سربازان مغولی که زخمی بر زمین افتاده بودند نیز آب می‌داد. این کار او باعث خشم سربازان سیک شد و با اتهام خیانت و همکاری با مغولان او را دستگیر کرده و به نزد گورو بردند. وقتی گورو علت این کار او را پرسید کهنیه پاسخ داد: «من نمی‌توانستم بین دوست و دشمن فرقی بینم، من در چهرهٔ همه گوروی یگانه حقیقی (واهه گورو Waheguru) را می‌دیدم». گورو از شنیدن این پاسخ بسیار خرسند شد و نه فقط او را برای این کارش مؤاخذه نکرد، بلکه او را تشویق به ادامهٔ همین کار کرد و همچنین به او بسته‌ای دارو داد تا تمام زخمی‌ها را با آن درمان کند.

پس از آن گوروی دهم او را برای ترویج آیین سیک به جنوب غربی پنجاب فرستاد. بدین ترتیب گروهی در میان سیک‌های خالصا به وجود آمد که تمام عمرشان را صرف خدمت به دیگران می‌کردند. بعدها این گروه دارای رهبر و اصولی خاص شده و به نام سِواپنتھی شناخته شدند. این اصول عبارت‌اند: از خدمت به بشریت، صلح‌جویی و پرهیزکاری. این گروه از هر گونه عمل خشونت‌آمیز پرهیز کرده و حتی برای حیوانات وحشی نیز غذا تهیه می‌کنند. سِواپنتھی‌ها همواره لباس سفیدرنگ می‌پوشند و تمام عمر مجرد زندگی کرده، از خوردن

گوشت، مشروب و استفاده از مواد مخدر به شدت پرهیز می‌کنند (<http://www.sikhiwiki.org>)
./index.php/ Sewapanthi

۲.۱. نام‌دھاری

پس از خالصا، یکی از فرقه‌های مهم آیین سیک نام‌دھاری است. واژه نام‌دھاری از دو بخش تشکیل شده است؛ نام (Nām) که منظور از آن نام الاهی است که در آیین سیک بیشتر واهه گورو (Wāheguru) خوانده می‌شود، و دھاری (Dhāri)، از ریشه سنسکریت دھارن به معنای داشتن یا شبیه بودن؛ بنابراین، نام‌دھاری آیینی است که به ذکر و نام الاهی، که در آیین سیک به آن (نام سیمرن Nām Simran) گفته می‌شود، بسیار اهمیت می‌دهد (Singh Kalsi, 2005: 10). به همین دلیل پیروان این فرقه، همواره در طول روز، غیر از عبادت‌های معمول، ساعتی را اختصاصاً برای ذکر گفتن به صورت دسته‌جمعی یا انفرادی اختصاص می‌دهند. همچنین در مکانی خاص، در مرکز این فرقه در روستای بهینی صاحب (Bhaini Sāhib) در ایالت لودھیانه (Ludhiāna)، به صورت مداوم، شبانه‌روز و در تمام طول سال، عده‌ای به نوبت به ذکر نام خداوند مشغول هستند، که به این مراسم اکهنند ورنی (Akhand Warni)، به معنای ذکر بدون توقف، گفته می‌شود.^۵

نام‌دھاری‌ها خود را وفادار به آموزه‌های اصیل ده پیشوای نخست آیین سیک از گورو نانک (Guru Nānak) تا گورو گوبند سینگه می‌دانند، به همین دلیل جزو سیک‌های تعمیم‌یافته موسوم به امریت‌دھاری (Amritdhāri) هستند، و از این جهت با سیک‌های خالصا تفاوت چندانی ندارند. به همین دلیل یکی دیگر از اسامی این فرقه سنت خالصا (Sant Khālsa) به معنای خالصای زاهد است.

پیروان این فرقه کوکا (Kukā)، به معنای فریاد کشنده، نیز نامیده می‌شوند، چراکه معمولاً در مراسم ذکرخوانی برخی از آنها که بر اثر ذکر مداوم نام الاهی به وجد آمده‌اند و نوعی حالت خلسه به آنها دست داده، برخاسته و بی‌اختیار به رقص و جست‌وخیز می‌پردازند و دیوانه‌وار در حالی که فریاد می‌کشند دستارشان را باز می‌کنند و موهای بلندشان را حرکت می‌دهند. پس از مراسم نیز با صدای بلند شعار «ست سری اکال» (Sat Sri Akāl)، به معنای «خداوند حقیقت است»، می‌خوانند (Kaur Jolly, 2000: 48).

ولی با توجه به اینکه این گروه، برخلاف اکثر سیک‌ها، ختم سلسله گوروهای بشری در دهمین گورو را نمی‌پذیرند و معتقد به ادامه این سلسله تا به امروز هستند، اطاعت از احکامی

را که گوروهای بعدی وضع کرده‌اند نیز همانند گوروهای متقدم لازم می‌دانند و از این جهت از سیک‌های خالصاً متمایز هستند. به ویژه این تفاوت نخستین بار از سوی دوازدهمین و بزرگ‌ترین پیشوای نام‌دھاری، گورو رام سینگه با وضع احکامی خاص و تغییر برخی از احکام پیشین به وجود آمد (McLeod, 2002: 147).

یکی دیگر از نشانه‌های نام‌دھاری‌ها همراه داشتن تسبیحی از نخی پشمی با ۱۰۸ گره است، که به آن مالا (Mālā) می‌گویند. معمولاً این تسبیح برای ذکر گفتن در مراسم نیایش و تمرکز استفاده شده، و در غیر آن نیز به گردن آویخته می‌شود (McLeod, 2002: 147).

همچنین می‌توان معابد و مکان‌های اجتماع نام‌دھاری‌ها را از روی پرچم مثلثی‌شکل سفیدرنگی که بر روی میله‌ای مرتفع نصب شده، از معابد سیک‌های خالصاً که پرچم مثلثی‌شکل زعفرانی‌رنگی بر آن افراشته شده بازشناخت. این پرچم سفید را که نخستین بار گوروی دوازدهم این فرقه هنگام اعلام آغاز قیام برای آزادی هند برافراشت، امروزه به عنوان نماد حقیقت، خلوص، سادگی، صلح و وحدت، پرچم رسمی این فرقه است (Kaur Takhar, 2005: 66).

در اصل، اختلاف نام‌دھاری‌ها و خالصاًها از اختلافی در نقل یک حادثه تاریخی نشئت می‌گیرد. پیروان این مذهب برخلاف سیک‌های خالصاً، معتقدند گورو گویند سینگه در ۱۷۰۸ میلادی از دنیا نرفته است، بلکه وی تا ۱۳۷ سالگی یعنی تا ۱۸۱۲ میلادی در قید حیات بوده است. طبق باور آنها، گوروی دهم، شخصی به نام بابا بالک سینگه (Baba Balak Singh) (۱۷۸۵-۱۸۶۲) را، که از مریدانش بوده، به جانشینی خود برگزید، و بدین ترتیب وی گوروی یازدهم نام‌دھاری‌ها شد. جانشین او بابا رام سینگه (Ram Singh Baba) مهم‌ترین و تأثیرگذارترین گوروی نام‌دھاری محسوب می‌شود، چراکه او با تدوین رَهِت‌نامه‌ای (Rahit Nama) مستقل در ۱۸۷۱ میلادی و رد حجیت اکال تخت و رَهِت‌نامه‌ای که آنها تدوین کرده‌اند، عملاً به مخالفت با خالصاًها پرداخت. بعد از بابا رام سینگه نیز سلسله گوروها تا به امروز ادامه دارد. از ۱۹۵۹ میلادی تا به امروز، رهبری دو و نیم میلیون نام‌دھاری را فردی به نام سَتگور جَگجید سینگه (Satgur Jagjit Singh) به عهده دارد.

یکی از تفاوت‌های نام‌دھاری‌ها با سیک‌های خالصاً این است که معمولاً نام‌دھاری‌ها به جز پرستش تندیس و تصویر، و التزام به نظام طبقاتی، در سایر احکام بسیار به هندوها نزدیک هستند، مثلاً آنها برخلاف سیک‌های خالصاً مطلقاً گیاه‌خوار هستند، و همانند هندوها

به گاو ماده احترام می‌گذارند و در مراسم ازدواجشان به دور آتش می‌گردند. این مراسم ازدواج خاص را، نخستین بار، بابا بالکُ سینگه بنیان‌گذار و گوروی یازدهم این مذهب، ابداع کرد. در این مراسم ازدواج، معمولاً زوجها به صورت دسته‌جمعی، در حالی که همه لباس‌هایی کاملاً سفید بر تن دارند، در حضور گوروی این مذهب به دور آتش می‌چرخند؛ این در حالی است که مطابق آداب ازدواج سیک‌های خالصاً، زوج به دور کتاب گورو گرتنه صاحب می‌گردند، یا مراسم نیایش به سوی آتش (هَوَن Havan)^۷، که مراسمی هندویی است، انجام می‌دهند. البته در تمام این تشریفات تنها متون مقدس سیک را قرائت می‌کنند، نه هندویی را. شناختن پیروان این فرقه از دیگر سیک‌ها بسیار آسان است، چراکه مردان این فرقه عمامه سفید مخصوصی بر سر می‌بندند که به صورت گرد بسته می‌شود که به آن سیدھے پگ (Sidha Pag) می‌گویند، و معتقدند گورو نانک نیز چنین دستاری می‌بسته و آنها برای پیروی از سنت او این‌گونه دستار می‌بندند، ولی معمولاً سیک‌های خالصاً عمامه‌ای به شکل ۸ فارسی بر سر می‌گذارند که به راحتی از سر برداشته می‌شود و رنگ آن هیچ محدودیتی ندارد. امروزه مرکز دینی این مذهب در منطقه سیری بهایینی صاحب (Sri Bhaini Sahib) در استان لُودھیانا (Ludhiana) در ایالت پنجاب قرار دارد (McLeod, 2002: 147).

۳.۱. نیرنکاری

پس از فروپاشی سلطنت مهاراجه رنجیت سینگه در پنجاب و از بین رفتن شکوه و عظمتی که آیین سیک در دوران گورو گویند سینگه به دست آورده بود، هندوها تلاش گسترده‌ای را برای بازگرداندن سیک‌ها به آیین باستانی هندو آغاز کردند. به همین منظور، در قدم نخست، بسیاری از باورها و آدابی که در آیین هندو شایع بود، از جمله نیایش مجسمه خدایان هندو را در میان سیک‌ها رواج دادند. این شرایط حساس باعث شد بزرگان و مؤمنان سیک که هنوز به آموزه‌های گورو نانک پای‌بند بودند، برای حفظ و بقای آیین خود جنبش‌های اصلاحی با محوریت توحید و نفی بت‌پرستی در این آیین به وجود آورند. یکی از این نهضت‌های اصلاحی جنبش نیرنکاری بود.

نخستین بار بابا دِیال داس (Baba Dayal Das) (۱۷۸۳-۱۸۵۵) در منطقه‌ای در شمال غربی پنجاب به نام راولپندی (Rawalpindi) این جنبش را به وجود آورد.^۸ البته وی هرگز خود را هم‌عرض ده گورو معرفی نکرد، بلکه بیشتر برای اصلاح و از بین بردن تحریف‌ها، و احیای توحید در این آیین قیام کرده بود (McLeod, 1999: 64).

بعد از بابا دیال نیز فرزندش بابا دَرَبار سینگه (Baba Darbara Singh) از ۱۸۵۵ میلادی تا ۱۸۷۰ میلادی رهبری این مذهب را به عهده داشت. وی زمینه‌ساز اصلی گسترش تعالیم نیرنکاری در سرتاسر پنجاب شد. مهم‌ترین اقدام بابا دَرَبار سینگه تنظیم و نشر مجموعه‌ای از احکام دینی مربوط به عبادات و طریقه زندگی با استناد به گورو گُرتنه صاحب بود (Singh, 2001: Vol 2: 234).

نیرنکاری‌ها خود را به شدت پای‌بند تعالیم گورو نانک می‌دانند. این مذهب چندان به آموزه‌های خاص گوروهای دیگر، به ویژه گورو دهم (بنیان‌گذار خالصا) اهمیّت نمی‌دهد (McLeod, 1999: 64). آنها همچون سیک‌های خالصا خود را به پیروی از زهت مریادا ملزم نمی‌دانند، در نتیجه برای حفظ پنج کاف و مراسم تعمید با امریت نیز اهمیّت خاصی قائل نیستند، تا آنجایی که بنیان‌گذار این مذهب خود از سیک‌های تعمیدنشده (سَه‌فَخ‌دَهارِی Sahajdhari) بوده است.

در این مذهب، باور به توحید ذات باری تعالی و ذکر و یاد همیشگی خداوند (نام سیمرن) بسیار مورد تأکید است. اسم نیرنکاری نیز، از یکی از مهم‌ترین صفات الاهی در این آیین، یعنی نیراکار (Nirakar)، به معنای خدای بی‌شکل و صورت، اخذ شده است. علاوه بر این سه مذهب اصلی، اگر تاریخ آیین سیک را مطالعه کنیم، به گروه دیگری به نام اوداسی Udāsi برمی‌خوریم. این فرقه به جز اینکه خود را به دلیل پیروی از پسر گورو نانک، مرید او نیز می‌داند، هیچ وجه شباهتی با دیگر مذاهب و فرقه‌های آیین سیک ندارد. به دلیل همین ادعا، در برخی منابع تاریخ ادیان به عنوان یکی از مذاهب این آیین معرفی شده است.

۲. اوداسی

نخستین بار سری چند (Sri Chand) (۱۴۹۴-۱۶۲۹م)^۹ فرزند بزرگ گورو نانک، این مذهب را بنیان نهاد، به همین دلیل به نام نانک پوتره (Nanak-Putra)، به معنای پسران نانک، نیز نامیده می‌شود. پس از درگذشت گورو نانک، وی مدعی جانشینی پدر شد و مرکزی به نام دَهره (Dhera) را بنا نهاد. واژه اوداسی از ریشه سَنسکریت اوداسین (Udasin)، به معنای زاهد و درویش و بی‌میل به امور دنیوی است.^{۱۰}

متن مقدس اوداسی‌ها ماترا (Matra) به معنای کتاب نظم و ترتیب، شامل ۷۸ شعر منسوب به سری چند است. این متن برای رسیدن به درجات عالی عرفانی به سالک می‌آموزد که کاملاً از دنیا دوری کرده و به ریاضت بپردازد و مجرد زندگی کند.

هرچند اوداسی‌ها برای خود متن مقدّس دارند ولی به گورو گُرتته صاحب، کتاب مقدّس سیک‌ها، نیز احترام می‌گذارند و گاهی از آن در صومعه‌ها و معابد خود نگهداری کرده، آن را می‌خوانند. در ماترا تصریح شده است که سری‌چند جانشین پدر خود، گورو نانک، است و رسالت خود را از او دریافت کرده است. با وجود این، او با رقبای خود، یعنی گوروهای سیک که خود را جانشینان گورو نانک می‌دانستند، رابطه‌ی خوبی داشت. آنها نیز به او به عنوان فرزند گورو نانک احترام می‌گذاشتند، تا جایی که بعد از مرگش گورو ششم سیک گورو هر گوبند Guru Har Gobind، شخصاً هیزم‌های مراسم سوزاندن جسد سری‌چند را آماده کرد.

ولی گوروها با عقاید سری‌چند مخالف بودند و پیروان او را سیک نمی‌دانستند. چون، اعتقادات اوداسی‌ها، مثل بت‌پرستی و گرایش به ریاضت، کاملاً مخالف تعالیم آیین سیک است. به همین دلیل، اوداسی‌ها با اینکه خود را هندو نمی‌دانستند، در عمل به هندوها نزدیک‌تر شدند. اصولاً مراسم مذهبی اوداسی‌ها کاملاً با سیک‌ها متفاوت است؛ آنها هنگام نیایش همچون هندوها زنگ‌ها و شیپورهای مخصوصی را به صدا در می‌آورند و به نیایش مجسمه‌هایی از گورو نانک، سری‌چند و خدایان هندو می‌پردازند.

اوداسی‌ها بیشتر به پیروی از پیشوای خود برهنه هستند و تنها با پارچه‌ای نازک خود را می‌پوشانند و به نشانه‌ی بی‌میلی به دنیا به بدن خود خاکستر می‌مالند. آنها معمولاً موهای خود را به صورت ژولیده بالای سر خود جمع کرده یا پشت سر رها می‌کنند. برخی از اوداسی‌ها نیز از لباس‌هایی مخصوص، به رنگ سفید یا قرمز، استفاده می‌کنند (McLeod, 2000: 52).

۳. فرقه‌های وابسته به آیین سیک

به غیر از مذاهب و فرقه‌هایی که بیان شد، چند فرقه‌ی کم‌اهمیت‌تر نیز وجود دارد که یا اکنون اصلاً پیروی ندارند، و یا تعداد پیروانشان بسیار ناچیز است و معمولاً زیرمجموعه‌ای از اوداسی‌ها یا خالصاً محسوب می‌شوند. در ادامه به اختصار به برخی از این فرقه‌ها نیز اشاره می‌کنیم.

۱.۳. دیوانه‌سادهو (مهربانیه)

فرقه‌ی موسوم به مهربانیه (Meharbanie) یا دیوانه‌سادهو (Divaneh Sadhu) از جمله

فرقه‌هایی است که امروزه پیروی ندارد، ولی در دوران حکومت سیک‌ها در پنجاب، در دوران سلطنت مهاراجه رنجیت سینگ حضور چشمگیری داشته است، ولی بعدها کم‌کم از بین رفته، باقی‌مانده آنها نیز به فرقه اوداسی پیوستند. این فرقه را به این دلیل مهربانیه می‌خوانند که آنها خود را پیرو بابا مَنرداس مهربان (Baba Manordas Mehraban) (۱۵۸۱-۱۶۴۰)، برادرزاده گوروی پنجم سیک گورو ارجن، می‌دانستند. به این فرقه، دیوانه‌سادهو یا مردان مقدس دیوانه نیز می‌گفتند.

بابا مهربان، فرزند برادر بزرگ‌تر گورو ارجن، پریتهی بود، که پدرشان گورو رام داس (Guru Ram Das) به جای او برادر کوچک‌ترش، ارجن، را به جانشینی خود برگزید. به همین دلیل پریتهی از روی حسادت، با برادر کوچک‌ترش دشمن بود و بارها کوشید فرزند خردسال گورو ارجن، هر گوبند، را که بعدها گوروی ششم سیک شد، به قتل برساند. البته فرزند او، مهربان، برخلاف پدرش از مریدان گورو ارجن بود، تا جایی که از طرف گورو ارجن برای تبلیغ آیین سیک به منطقه ملوا (Malwa) فرستاده شد. از آنجایی که او لباسی همچون مرتاضان و زاهدان به تن داشت و اشعار گورو را می‌خواند، مردمان آن منطقه او را با لقب بابا، که برای پیشوایان صوفی و زاهد اطلاق می‌شد، می‌خواندند.

از مشخصات ظاهری پیروان فرقه دیوانه‌سادهو این بود که بر سر خود پره‌های طاووس قرار می‌دادند و گردن‌بندی از صدف به گردن می‌بستند و بر شانه‌های خود نیز قطعات چوبی آویزان کرده و در حالی که اشعار گوروهای سیک را می‌خواندند همچون دراویش و صوفیان مسلمان، می‌رقصیدند. آنها پنج گوروی اول سیک‌های خالص را قبول داشتند، ولی در عین پذیرش گورو بودن ششمین پیشوای سیک، مهربان را نیز در کنار او گوروی ششم خود می‌دانستند. دیوانه‌سادهوها همچنین کتاب مقدس سیک‌های خالص را نیز به عنوان کتاب مقدس خود قبول داشتند (<http://www.sikhiwiki.org/index.php/Merhbanieh>).

۲.۳. آد دهرم

فرقه آد دهرم (Ad Dharm) به معنای مکتب معنوی اولیه، فرقه‌ای است که اعضای آن خود را پیرو عارف هندویی به نام رویداس (Ravidas) می‌دانند، که به دلیل درج برخی از سروده‌هایش در گورو گرتنه صاحب، مورد احترام سیک‌ها نیز هست. پیروان این عارف هندو، بیشتر از طبقه اجتماعی نجس‌های هندو موسوم به دلیت (Dalit)

بودند که به آیین سیک گرویدند، ولی بعدها از حضور در معابد سیک اجتناب کرده و برای خود معبدی خاص بنا کردند و در آن به ترویج آموزه‌های رویداس پرداختند ([http://www.sikhiwiki.org/index.php/Ad Dharm](http://www.sikhiwiki.org/index.php/Ad_Dharm)).

۳.۳. بنده خالصا یا بنده سیک

اعضای فرقه بنده خالصا (Bandai Khalsa) که به نام بنده سیک (Bandai Sikh) نیز شناخته می‌شوند، خود را پیرو یکی از قهرمانان و رهبران نبرد با مغولان پس از کشته‌شدن گوروی دهم به نام بنده سینگه بهادر (Banda Singh Bahadur) (۱۶۷۰-۱۷۱۶) می‌دانند. به باور آنها، بنده سینگه نه فقط یک فرمانده نظامی، بلکه یازدهمین گورو آیین سیک است. این فرقه نخستین بار در ۱۷۱۲ میلادی تأسیس شد. بنده خالصاها به گورو گرتته صاحب تنها به عنوان یک کتاب مقدس احترام می‌گذارند و معتقد به گورو بودن آن نیستند، به همین دلیل این فرقه در ۱۷۲۱ میلادی از جامعه سیک رانده شده و اعضای آن مرتد اعلام شدند. امروزه تعداد بسیار ناچیزی از این فرقه موجود هستند (<http://www.sikhiwiki.org/index.php/BandaiKhalsa>).

۴.۳. نیلدهاری

فرقه نیلدهاری را فردی به نام سنت مهاراج هرنام سینگه (Sant Maharaj Harnam Singh) (۱۸۷۷-۱۹۸۰)، مشهور به کیله واله (Kile Wale)، در ۱۹۶۶ میلادی بنیان نهاد. او در منطقه کیله صاحب در کشور پاکستان امروزی به دنیا آمد، ولی پس از تجزیه شبه‌قاره، به منطقه نوشیرا صاحب (Naushera Sahib) در هند مهاجرت کرد. واژه نیله به معنای رنگ آبی و نیلدهاری به معنای کسی است که از رنگ آبی استفاده می‌کند. مشخصه پیروان این فرقه استفاده از عمامه یا پارچه آبی‌رنگی موسوم به چکوته (chakuta) برای پوشاندن سر و کمربندی به همان رنگ موسوم به کمر کسه (Kamar Kassa) است. رنگ آبی در این فرقه سمبل صلح‌طلبی و عدم خشونت و چکوته نشان‌دهنده توبه به درگاه الاهی است (<http://neeldhari.htmlhttp://neelabanna.weebly.com>).

این فرقه را می‌توان انشعابی از مذهب نام‌دهاری دانست، چراکه آنها نیز گوروی دوازدهم نام‌دهاری‌ها، گورو رام سینگه را می‌پذیرند، ولی گوروی فعلی نام‌دهاری‌ها را به رسمیت نمی‌شناسند. آنها کاملاً گیاه‌خوار هستند و به اصول قانون سلوک سیک (رهت میرادا)، به ویژه قانون کوتاه نکردن موهای بدن (کیش) می‌پندند.

در مورد اینکه آیا نیلدهاری‌ها، همانند نام‌دھاری‌ها، به لزوم حضور گورویی زنده در کنار کتاب مقدس معتقدند یا نه، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد؛ در برخی از آنها نیلدهاری‌ها را معتقد به حضور گورویی زنده در کنار کتاب مقدس می‌دانند؛ لذا هم به کتاب مقدس گورو گرتنه صاحب معتقدند و هم پیشوای خود را، که به اختصار سنت مهارج (Sant Maharaj) می‌نامند، گورویی هم‌مقام با ده گوروی سیک می‌دانند. ولی در برخی دیگر از منابع، نیلدهاری‌ها را گروهی زاهد از سیک‌های خالصا معرفی می‌کنند که کتاب مقدس را تنها گوروی خود می‌دانند، و تنها تفاوت آنها با دیگران در این است که نیلدهاری‌ها با استناد به سروده‌های کتاب مقدس، نقش خاصی برای زاهدان و قدیسان به عنوان مظاهر الاهی در زمین قائل هستند، و کلام آنها را همچون کلام خداوند دانسته، اطاعت از آنها را نیز لازم می‌دانند ([http://www.sikhiwiki.org/index.php/Neeldhari Pant](http://www.sikhiwiki.org/index.php/Neeldhari_Pant)).

۵.۳. سوتیره شاهی

پیروان فرقه سوتیره شاهی (Suthra Shahi) خود را پیرو یکی از شاگردان گوروی ششم سیک به نام سوتیره شاه (۱۶۲۵-۱۶۸۲) می‌دانند. گفته شده که پس از تولدش ستاره‌شناسان و روحانیان هندو او را فردی شوم و بدشگون دانستند و به همین دلیل پدرش او را سر راه رها کرد. اتفاقاً گورو هر گوبند با مریدانش از آن مسیر عبور می‌کرد که نوزاد را دید و تصمیم گرفت او را نزد خود پرورش دهد. اطرافیان گورو گفتند که این نوزاد کوتیره است، یعنی زشت و کثیف است، ولی گورو پاسخ داد این کودک سوتیره است، یعنی پاک و خالص و بی‌عیب است. بعدها سوتیره یکی از مروّجان آیین سیک و نماینده گورو در دهلی شد.

با اینکه سوتیره شاه خود مبلغ و مروّج آیین سیک بود، ولی پس از مدتی کسانی که جذب سخنان و شخصیت او شده بودند، خود فرقه‌ای مستقل تشکیل دادند و هرچند در اشعارشان گورو نانک را مدح می‌کردند و سروده‌های کتاب مقدس سیک را می‌خواندند، ولی ریاضت‌پیشه و تارک دنیا بودند و به خدایان هندویی نیز احترام گذاشته و برخی تشریفات آنها را پذیرفته بودند. بارزترین مشخصه ظاهری آنها این بود که گردن‌آویزی از پشم سیاه به گردن می‌آویختند و دو چوب‌دست کوچک حمل می‌کردند که برای درخواست صدقه و غذا از مردم آنها را به صورت موزون به هم می‌کوبیدند. بعدها این فرقه به اوداسی‌ها پیوستند ([http://www.sikhiwiki.org/index.php/Suthra Shahi](http://www.sikhiwiki.org/index.php/Suthra_Shahi)).

۶.۳. سنت نیرنکاری

واژهٔ سَنَتِ نیرنکاری (Sant Nirankari) از دو بخش تشکیل شده است؛ سَنَت، به معنای زاهد و عارف، و نیرنکاری که برگرفته از مهم‌ترین صفت الهی در آیین سیک، یعنی نیراکار (Nirakar) یا نیرنکار به معنای خدای بی‌شکل و صورت است. پس سَنَتِ نیرکاری واقعی عارفی است که خدای بی‌شکل را می‌پرستد. همچنین این جنبش معنوی به نام هیئت برادری جهانی (Universal Brotherhood Mission) نیز شناخته می‌شود.

پیروان جنبش سَنَتِ نیرنکاری خود را فرقه یا مذهب هیچ دینی نمی‌دانند و صرفاً این فرقه را به عنوان جنبشی اصلاحی و منادی آیینی جهانی، متکی بر توحید، معرفی می‌کنند. به همین دلیل، آنها پیروان تمام ادیان را به عنوان عضو خود می‌پذیرند. در مقابل نیز، سیک‌ها هرگز این گروه را به عنوان یکی از مذاهب دین خود به رسمیت نمی‌شناسند. ولی به هر حال نمی‌توان این مسئله را از نظر دور داشت که این فرقه دست‌کم با تأثیرپذیری از میراث فرهنگی و دینی گورو نانک، بنیان‌گذار آیین سیک، به وجود آمده است.

جنبش سَنَتِ نیرنکاری را، که خود از مذهب نیرنکاری منشعب شده است، نخستین بار بابا بوتاسینگه (Baba Buta Singh) در ۱۹۲۹ بنیان نهاد. بعدها به دلیل ادعای گورو بودن جانشینان او و هم‌رتبه بودن با گوروهای ده‌گانه، سَنَتِ نیرنکاری‌ها به رویارویی مستقیم با سیک‌های خالصا پرداختند (Singh, 1999: 344). سرانجام در ۱۹۷۳ مجمع ادارهٔ گورداراه‌ها (معابد سیک) در آکال‌تخت (SGPC) (Shiromani Gurdwara Parbandhak Committee) که رهبری جامعهٔ سیک خالصا را به عهده دارد، این فرقه را گروهی منحرف و اعضای آن را مرتد (پَتِتْ Patid) اعلام کرد. پس از آن در همان سال درگیری خونینی در شهر مقدس امریتسر میان سنت نیرنکاری‌ها و سیک‌های خالصا در گرفت، که علی‌رغم دخالت پلیس هند، ده‌ها تن از دو طرف کشته شدند. امروزه مقام رهبری و گورویی این فرقه را پسر او بابا هرِدو سینگه (Baba Hardev Singh) به عهده دارد (Singh, 2001, vol 2: 236).

مهم‌ترین اصول اعتقادی این جنبش عبارت است از اینکه: خداوند یگانه، حاضر در همه جا، قادر مطلق، ابدی و ازلی، بی‌شکل و صورت جسمانی، و بدون هیچ‌گونه تجسد است. او ماورای عناصر مادی، مثل زمین، آب، آتش، و عناصر لطیف، مثل هوا و روح، است. پس خداوند نیرنکار، یعنی بالاتر از تجسم است. همهٔ انسان‌ها فرزندان خداوند هستند. در هر زمانی باید یک گوروی حقیقی (ست‌گورو Satguru) حضور داشته باشد تا واسطهٔ

فیض خدا به انسان باشد و با علم الاهی خود انسان‌ها را به سوی حق هدایت کند
(<http://www.nirankari.com/ideology/ideo7.htm>).

هرچند گوروهای این جنبش در ظاهر کاملاً شبیه سیک‌های تعمیم‌یافته هستند و دستار می‌بندند، ولی هیچ‌کدام از این امور ظاهری سیک را برای پیروان خود الزامی نمی‌دانند. به طور کلی، سنت نیرنکاری‌ها به هیچ‌یک از آداب و سنن ظاهری و تشریفات دینی خاص ملتزم نیستند و آنها را بی‌په‌وده می‌دانند. حتی مکانی خاص به عنوان معبد یا مکان مقدس نیز ندارند. به باور سنت نیرنکاری‌ها، هر مکانی که عده‌ای از آنها برای عبادت دسته‌جمعی گرد آیند معبد محسوب می‌شود. البته امروزه در سراسر جهان مکان‌هایی به عنوان معابد این فرقه تأسیس شده که به آن ست‌سنگ بهاؤن (Satsang Bhawan)، به معنای تالار اجتماع حق‌جویان، گفته می‌شود.

متن مقدس این فرقه، اوتار بانئ (Avtar Bani) نامیده می‌شود و سروده‌ی یکی از گوروهای این فرقه به نام بابا اوتار سینگه است. اوتار بانئ مجموعه‌ای از اشعار ساده پنجابی است، ولی چند بیت شعر به زبان اردو و سندی هم در آن وجود دارد. این کتاب حاوی ۳۷۶ شعر است که صفات خداوند، اهمیت رهبر معنوی برای رسیدن به خداوند، منظور و هدف از زندگی و پنج اصل مهم نیرنکاری (سخاوت، برابری ادیان و نژادها، خلوص روح، نفی ریاضت، رازداری) را شرح می‌دهد (http://www.sikhiwiki.org/index.php/Sant_Nirankari).

نتیجه‌گیری

به طور کلی می‌توان گفت فرقه‌ها و مذاهب آیین سیک به چهار علت اصلی از یکدیگر منشعب شده‌اند؛

نخست اختلاف بر سر مفهوم گوروی حقیقی و اینکه آیا می‌توان کلام الاهی متجلی در کتاب مقدس را به عنوان تنها گورو و پیشوای زنده پذیرفت یا نه. به این علت نخستین انشعاب در پیکره آیین سیک با جدا شدن نام‌دھاری‌ها به وجود آمد که منکر این باور بودند و بر حضور فیزیکی رهبر و پیشوایی خاص تأکید داشتند و این سلسله را از گورو نانک تا همیشه مستمر می‌دانند.

آن گروه از سیک‌هایی که معتقد بودند پس از پیشوای دهم می‌بایست فرد خاصی به عنوان گورو حضور داشته باشد نیز بر سر اینکه چه کسی جانشین حقیقی گوروی دهم است با هم اختلاف پیدا کردند و از اینجا فرقه‌های دیگری مثل نیرنکاری منشعب شدند.

برخی نیز علاوه بر این مسئله، به التزام سخت‌گیرانهٔ سیک‌های خالصا به پنج‌کاف و انجام تشریفات پیچیده در مورد کتاب مقدس، مانند قرار دادن کتاب مقدس بر سریر پادشاهی، باد زدن و کرنش در برابر آن، خواباندن کتاب در تخت در شامگاه و ...، اعتراض کرده و آن را تشریفاتی بیهود و ریاکارانه و مغایر با تعالیم باطنی و معنوی گورو نانک دانستند و به این جهت از سیک‌های خالصا جدا شدند، که مهم‌ترین آنها سنت نیرنکاری‌ها هستند. فرقه‌هایی نیز در آیین سیک پدید آمدند که در حقیقت محصول نفوذ فرهنگ هندویی بر این آیین نوپا بوده است، که مهم‌ترین آنها اوداسی‌ها هستند. هرچند به جز چند دهه، به طور کلی این‌گونه فرقه‌ها نتوانستند اصول مهمی مثل یکتاپرستی و نفی تندیس‌پرستی در آیین سیک را تحت‌الشعاع خود قرار دهند، ولی به هر حال نفوذ فرهنگ هندویی در برخی از آداب و رسوم آیین سیک خالصا نیز انکارناپذیر است.

پی‌نوشت‌ها

۱. این هشت گورو عبارت‌اند از: گورو امرداس، گورو رامداس، گورو ارجن، گورو هر رای، گورو هر کریشن، گورو تیغ بهادر و درنهایت گورو گوبند سینگه.
۲. در برخی از روایات کلام گوروی دهم این‌گونه بیان شده است: «امروز من به سر یک سیک نیاز دارم، هر کس حاضر است سر خود را به من تقدیم کند جلو بیاید!».
۳. البته تمرین‌های نظامی آنها هنوز به شیوهٔ دوران گوروی دهم، فقط شامل شمشیرزنی و سوارکاری است.
۴. سرزمین خالصا، نام سرزمینی رؤیایی است که در دوران تجزیه هند، سیک‌های افراطی برای تشکیل آن مدتها به مبارزه با دولت هند پرداختند.
۵. نگارنده طی سفری که در ۲۰۰۹ به مرکز این فرقه در روستای بهینی صاحب داشته، شاهد این مراسم بوده است.
۶. سلسله گوروهای نام‌دهاری پس از گوروی دهم عبارت‌اند از: گورو بالک سینگه، گورو رام سینگه، گورو هر ری سینگه، گورو پرتاب سینگه، گورو جگجیت سینگه (گوروی فعلی).
۷. این مراسم نیز ریشه در مراسم نیایش هندویی به همین نام دارد که برای نیایش ایزد آگنی برگزار می‌شود. البته تفاوت این دو مراسم در این است که نام‌دهاری‌ها در این مراسم آگنی را نیایش نکرده، و از متون هندویی نیز استفاده نمی‌کنند.
۸. بعد از تقسیم شبه‌قارهٔ هند در ۱۹۴۷، مرکز این آیین به شهر چندی‌گره (Chandigarh) منتقل شد.
۹. در مورد تاریخ درگذشت سری چند اختلاف وجود دارد.
۱۰. واژهٔ اوداسی برای سفرهای تبلیغی چهارگانهٔ گورو نانک نیز استفاده می‌شود. در این کاربرد، اوداسی به معنای غایب، کسی که در خانه نیست، به کار رفته است.

منابع

Bala, Shashi (1999). *Sikh Metaphysics*, Amritsar: Singh Bros.

Chander Dogra, Ramesh, Singh Mansukhani, Gobind (1997). *Encyclopaedia Of Sikh Religion and Culture*, Delhi: Vikas Publishing House.

Gupta, Hari Ram (2000). *History of the Sikhs*, New Delhi: Munshiram Manoharlal.

Hinnells, John R, Owencole. W (1996). *A new Handbook of Living Religions*, Oxford: Blackwell Publishers.

Kaur Jolly (2000). *Sikh Revivalist Movements*, New Delhi: Gyan.

Mcleod, W. H (2009). *The A to Z of Sikhism*, UK: The Scarecrow.

_____ (1999). *Sikhs and Sikhism*, New Delhi: New York: Oxford University.

_____ (2000). *Exploring Sikhism*, New Delhi: Oxford University.

_____ (2002). *Historical Dictionary of Sikhism*, UK: Oxford.

_____ (2005). *Sikhs of the Khalsa A History of the Khalsa Rahit*, New Delhi: Oxford India Paperbacks.

Owen Cole, W and Morgan, Peggy (2000). *Six Religions*, England: Stanly Thornes.

_____ and Singh Sambhi, Piara (1997). *A Popular Dictionary of Sikhism*, USA: Curzon Press.

Shromnī Gurdwara Prabandak Committee (1998). *Sikh Rehat Maryada*, Amritsar: Dharam Prachar Committee, (Gurmukhi).

Singh Kalsi, Sewa (2005). *Religions of The World: Sikhism*, Philadelphia: Chelsea House.

Singh, Gopal (1971). *The Religion of the Sikhs*, Bombay: Asia Pabliishing House.

Singh, Harbans (1999). *The Heritage of the Sikhs*, New Delhi: Manohar.

_____ (2001). *The Encyclopaedia of Sikhism*, Patiala: Punjabi University.

Singh, Ishar (1985). *The Philosophy of Guru Nanak*, New Delhi: Atantic.

Singh, Sangat (2001). *The Sikh in History a Millennium Study*, New Delhi: Uncommon Books.

<http://www.neelabanna.weebly.com>

<http://www.nirankari.com>

<http://www.sikhiwiki.org>

